

بخش نهم

نامه کوناگون

این بخش در برگیرنده ۲۷۵ نام میباشد.

- تَرْوِهِيَّه - اندوخته، آمیخته.
 تسو - (مانند سبو) : گاهشمار، دانگ
 تیوما - تبار، خاندان، تیره.

جهانبُد - جهاندار، نگهبان گیتی
 جویا - جوینده، پژوهشگر، پرسنده
 جویش - پویش، بررسی، رهیابی.
 جوینده - پوینده، جستجوگر.

 چاره جو - درمانگر، چاره گر.
 چاره گر - چاره جو.
چُرمک - (مانند اردک) : لغز.
 چیستان - سخن پیچیده و نهان.
چلنگر - (مانند بزه‌گر) : خردآهن
 فروش.
 چوبدار - خریدار و فروشنده دام.
 گله دار - رمه دار.
 چویان - نگهبان دام، شبان.

 خامه - غلم، کلک.
 خستو - پذیرفته، رازگو.
 خستون - نگ - به " خستو ".

 دارنگ - (مانند سارنگ) : خوانرنگین
 درکا - (مانند بهتا) : رودکوچک.
 دفتر - نسک، روزنامه، تومار، کارجا
 دفتردار - گنجور، ایاره نویس.
 دفتری - وابسته به دفتر.
- پالیده - افزوده، ساف.
 پتمان - امید، آرزو، پیمان.
 پدیسار - از سرگیری کار.
 پروردش - پرستش، پروریدن.
پَژوَه - (مانند هنوز) : درخواستگری
 و سرخختی، پافشاری.
پَژوَه مَنَد - درخواستگر، سرخخت.
پَژَهَان - (مانند برهان) : آرزو.
 خواهش دل، خواسته.
 پویا - جوینده، پایانده، کوشنده.
 پویان - جویان، کوشان.
 پویش - جستجو، پویندگی.
 پویشگر - جوینده، پوینده.
 پوینده - در تکاپو، جوینده.
پَهْرَه دَار - (مانند کرده‌کار) : پاس.
 پاسدار، نگهبان.
 پیدایش - آشکارایی، نمایان، هویدا
 پیشاَهَنگ - پیشرو، پیشگام.
 پیشه - کار، سرگرمی.

 پیشه ور
 پیشه وری
 پیشه وریان
 پیغون - (مانند میمون) : پیمان.
 پیک - پیام آور.
 پیمان - پیوند، همزبانی.
پیلسَه - (مانند بیدسته) : رخسار
 تَجا - (مانند روا) : تندو تیز.
- آرَشَخ - (مانند سرنخ) : پایندان.
 وامداری، پیمانگری.
آروندَا - (مانند درفردا) : آزمایش.
 آسپار - سوارکار.
 آشناس - آشنا، شناخته.
 امید - آرزو، آرمان، چشمداشت.
 امیدوار - با امید، آرزومند.
 انباز - همتا، دوست، همدم، همکار
 اوُس - (مانند موز) : امید، آرمان.
 آرزو، توانا، دارنده، چشمه‌ها.
 ایرمان - مهمان، بیار، دوست، آرزو

 بادرام - (مانند شادکام) : کشاورز.
 بازیار - بزرگر، کشاورز.
 بازیان - کشاورز.
 باستان - گذشته، دیرینه.
 باستانی - نگ به " باستان ".
 باستانی پور
 باستانی فر
 باستانی نیا
 بایگان - نگهدارنده، پاسدار.
 بخشش - گذشت، دهش.
 بخششگر - بخشنده، دهشگر.
 بخششیان - بخششگر.
 بزرگر - کشاورز.
 بزره کار - بزرگر، کشاورز.
 بزریگر - نگ به " بزرگ ".
بَزَنگ - (مانند فرنگ) : کلید، بازگر
- آبورز - شناگر.
 آدات - منشها، شیوه‌ها، غانوتها.
 آرما - آزمایش، آزمون.
 آزمایش - آزمون.
 آزموده - سنجیده، آموخته، آزمایش
 شده، بررسی شده.
 آزنگ - چین و شکن خشم.
 آسال - بنیاد، رویشه، برشماری.
 آسَغَه - (مانند تاکرده) : آماده.
 باهوش - هوشیار.
 آشام - نوشیدنی، نیرو، گرایش.
 آشکار - پیدا، نمایان، هویدا.
 آشميده - نويسنده.
 آشنا - دوست، همدم، شناگر.
 آشتاب - آبورز، شناگر.
 آغاز - سدا، آهنگ کار، نخست‌گام.
 آماج - نشانگاه، آرمان.
 آوات - امید، آرزو.
 آونگ - آویخته.
 آوند - برهان، فرنود، کاسه و کوزه.
 آویش - هویدا، آشکار.
 آیقت - (مانند پابست) : خواسته
 و نیاز.
 آین - (مانند با دل) : آین.
 آین - کیش، روش، شیوه.
 آبکار - (مانند سردار) : کشاورزی.
 آپاوه - (مانند سماور) : باز، فراغ.

کهن گهر	کُواں - (مانند غباد) : روش دات
کهن منش	وغانون فروزه ۰
کهن نزاد	کُواهه - نگ به " کواس " ۰
کهن نیا	کُواش - نگ به " کواس " ۰
کهن یار	کوشـا - کوشـنـه ۰ در تکـاپـو ۰
کهـنـی	کوشـاـپـنـاه ۰
کهـنـیـ پـور	کوشـاـ پـور ۰
کهـنـیـ تـبار	کوشـاـ پـیرـا ۰
کهـنـیـ فـر	کوشـاـ فـر ۰
کهـنـیـ نـیـا	کوشـاـ فـروـز ۰
کهـنـیـان	کوشـانـ - تـلاـشـمـنـدـ کـوـشـنـدـهـ کـوـشاـ ۰
کـیـشـ آـیـیـنـ کـرـدارـ رـوـشـ ۰	کـوـشـانـفـرـ - فـرـوغـ وـ شـکـوـهـ کـوـشـشـ وـ تـلاـشـمـنـدـ ۰ پـرـتـلاـشـ وـ تـکـاپـوـ ۰
کـشـایـشـگـر	کـوـشـشـ - تـلاـشـ کـوـشـنـدـگـیـ ۰
کـشـایـشـیـان	کـوـشـقـنـ فـرـ ۰
کـلـهـ بـان	کـوـشـشـ نـیـا ۰
کـلـهـ دـار	کـوـشـیـارـ کـوـشـنـدـهـ پـیـارـ کـوـشـشـ ۰
کـلـهـ دـارـی	کـوـشـنـدـهـ - پـرـتـلاـشـ پـرـ تـکـاپـوـ ۰
کـلـهـ دـارـیـان	کـهـبـدـ - پـارـسـاـ کـوـهـ نـشـینـ سـرـمـایـهـ ۰
نسـارـ (ـمانـنـدـ بـهـارـ)	کـهـبـیـورـ - (ـمانـنـدـ سـرـپـوـشـ) : فـرـزـنـدـ
نـعـانـهـ (ـمانـنـدـ زـمـانـهـ)	دوـسـتـ دـاشـتـنـیـ وـ مـهـرـبـانـ ۰
وـ خـانـدانـ	کـهـنـ - باـسـتـانـیـ سـالـمـنـدـ ۰
نـعـایـانـ آـشـکـارـ هـوـیدـاـ ۰	کـهـنـ پـورـ ۰
نوـکـنـدـ (ـمانـنـدـ مـوـبـنـدـ)	کـهـنـ پـیرـاـ ۰
نوـرـسـتـهـ تـازـهـ ۰	کـهـنـ فـرـ ۰
نـیـسـهـ مرـدـمـ ۰	کـهـنـ فـروـزـ ۰
	کـهـنـ گـوـهـرـ ۰

دـغـرـ یـارـ	دـغـرـ یـارـ - دـسـتـیـارـ دـفـتـرـ دـوـسـتـ
نوـشـتـارـ ۰	شـتـابـ - تـنـدـیـ درـکـارـ چـالـاـکـیـ ۰
دـغـرـیـانـ - وـابـسـتـهـ بـهـ دـفـتـرـ ۰	شـتـابـنـدـهـ - تـنـدـکـارـ چـالـاـکـ شـتـابـکـارـ
دـوـرـانـدـیـشـ - بـاـ خـردـ دـوـرـنـگـرـ ۰	شـیـلـ - بـنـدـیـ بـرـ روـدـخـانـهـ بـرـایـ مـاهـیـ
دـینـ بـدـ - نـگـهـبـانـ دـینـ دـینـدـارـ ۰	گـیرـیـ (ـشـیـلـاتـ نـادرـسـتـ اـسـتـ) ۰
دـینـدـارـ ۰	شـیـلـانـ - دـارـنـدـهـ شـیـلـ مـیـوهـ اـیـ خـشـکـ
دـینـوـرـ - کـوـشـنـدـهـ دـرـ رـاهـ دـینـ ۰	بـهـ نـامـ اـنـابـ (ـعـنـابـ نـادرـسـتـ اـسـتـ)
دـینـ یـارـ - بـارـیـ بـخـشـ دـینـ دـلـگـرـمـ	شـیـوـ - (ـمـانـنـدـ گـیـوـ) : کـهـانـ تـیرـانـدـازـ
بـهـ دـینـ ۰	
روـسـتـاـ - دـهـ دـرـ گـذـشـتـهـ سـرـزـمـیـنـ بـزـرـگـ	فـراـخـوانـ
وـ باـشـنـدـگـاهـ رـیـشـهـ آـنـ دـرـ چـمـ : روـیـشـ ۰	فـراـخـوانـیـ
	فـرـتـورـ - واـکـنـشـ پـرـتـوـ دـیدـدـرـ آـیـینـهـ ۰
	فـرـجـامـ - پـایـانـ اـنـجـامـ ۰
	فـرنـوـدـ - بـرـهـانـ ۰
ژـرفـ آـیـینـ - دـارـنـدـهـ بـاـورـ درـونـیـ ۰	فـیـلـالـ - تـیرـیـ کـهـ پـیـکـانـ آـنـ دـوـ شـاخـهـ
ژـرفـ کـیـشـ - ژـرفـ آـیـینـ ۰	بـاـشـ ۰ آـغـازـ ۰ دـیـبـاـچـهـ ۰
ژـرفـ اـنـدـیـشـ - دـورـنـگـرـ بـاـخـرـدـ ۰	فـیـاوـارـ - پـیـشـهـ کـارـ ۰
ژـرفـ نـگـاهـ	
ژـرفـ نـگـرـ	کـارـ آـزـماـ آـزـمـونـگـرـ ۰
ژـرفـیـ خـودـ	کـارـ آـزـماـنـ کـارـ آـزـماـ ۰
	کـارـگـرـ - کـارـکـنـ اـنـجـامـگـرـ کـارـ ۰
سـاسـنـاـ - (ـمانـنـدـ بـادـپـاـ) : آـیـینـ فـرـمانـ	کـاـشـهـ - (ـمانـنـدـ خـانـهـ) : خـانـهـ اـیـ اـزـگـلـ
سـامـانـ - آـرـایـشـ نـیـکـ چـینـیـ بـهـ آـرـایـ	وـ سـبـزـهـ وـ کـیـاـهـ درـکـشـتـزـارـ کـاـزـهـ ۰
سـامـهـ - پـیـمانـ سـوـگـنـدـ پـنـاهـگـاهـ ۰	کـشاـورـزـ - بـرـزـیـگـرـ ۰
سـایـهـ - پـرـهـیـبـ (ـبـهـ گـوـیـشـ خـرـاسـانـیـ)	کـشاـورـزـ نـیـاـ ۰
سـایـانـ - آـفـتـابـگـیرـ پـشـتـیـبـانـ ۰	کـشاـورـزـیـ ۰
سـغـدـیـانـهـ - (ـمانـنـدـ رـنـگـیـانـهـ) : پـیـالـهـ	کـشاـورـزـیـانـ ۰
مـیـ - پـیـمانـهـ وـ جـامـ مـیـ ۰	کـنـشـ - کـرـدارـ رـفـتـارـ ۰

وید - جستن • پیداکردن • یافتن •
ویده - چاره • جوینده •
ویس - (مانند دیس) : تیره • تبار •
دودمان • خاندان •

هاسَر - (مانند باور) : زمان شمار •
گاهشمار • تسو •
هَستو - پذیرفته • روشنگر • رازگو
هَستوان - نگ به " هستو " •
هُماس - (مانند گشاد) : انباز • بیار •
دوست • همتا •
هَدمین - (مانند همید) : اندام •
تن • پیکر • بلند بالا • بر •
هَمال - (مانند زمان) : همتا • انباز
و همانند •
هَماوا - همراه • هم اندیش • همسدا •
یکدل • یکزبان •
هَماهَنگ - همراه • هماوا • بیار • همدل
همتا - همزاد • هم جنس • همسان •
همداستان - همدل • همزبان • هماوا •
همکار - دوست • نزدیک • همراه •
همگنان - همکاران • همرده‌ها •
همیاز - همراه همراز •
هَندام - تن • بر • پیکر • اندام •
هویدا - نمایان • آشکار • خوب پیدا

بَزش - ستایش • نیایش •